

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۰۳ جون ۲۰۲۲

معرفی مجموعه شعری تازه از اسد رخساریان

اسد رخساریان شاعر و مترجم ایرانی ساکن سویدن است. کتاب جدید وی به نام «سبکی خنده سنگینی اندوه فراموشی» امسال (۲۰۲۲) توسط انتشارات ارزان در شهر استکهلم انتشار یافته است. در ابتدای این دفتر تکلمه خواب-گونه زیبایی در پیوند با نیما یوشیج آورده شده است:

خواب نیما

من مرواریدی پیدا کرده و آن را به کسی نشان نداده بودم. نیما -شاعر افسانه- با هیكلی استخوانی و پیراهن بلند سفیدی روبه روی من ایستاده و می‌خواست آن مروارید را ببیند. گفتم: نه، نمی‌شود. او راه افتاد و رفت و از من دور شد، من او را صدا زدم و گفتم: بیا ببینش! آن مروارید مثل دانه اشکی بود، برق می‌زد و درشت بود و در داخل شیشه کوچکی به اندازه خودش بود. آن را به دست نیما دادم. نیما، آن را گذاشت جلوی آفتاب. شیشه برق زد و یک پایه صلیبی درشت طلایی‌رنگ روی آن نقش بست. نیما خیلی آرام، انگار که با خودش حرف می‌زند، گفت: خالص خالص است. آن را برداشت و به من بازش گرداند. گفتم پول لازم دارم، بیرم بفروشمش. نیما گفت: باید مواظب باشی. این روزها کسی خریدارش نیست و قیمت پائین است.

زمستان ۲۰۱۶

بعد از خواب نیما، رخساریان، در قطعه‌ای ادبی تأمل شاعرانه‌ای ارائه می‌دهد، که با هم می‌خوانیم:
«کلاف سردرگم حس‌های درونی شاعر، همیشه در لبه پرتگاهی در بلندای صخره مرگ باز می‌شود و سپس او را، اگر از مرگ رهائی پیدا کند، به کارگاه آفرینش سوق می‌دهد. این رفت و آمد همیشگی میان زندگی و مرگ به شاعر جریزهای می‌دهد که بتواند در برابر خدایان کلام و دانائی گذشته‌ها لب به سخن بگشاید و پرده از هر آن اندیشه نوینی که انگاری سرو خرامانی است که در منظر نگاهش بالا گرفته، بردارد.»

چند شعر جذاب و پرمحتوای زیر را از این میان اشعار کتاب جدید اسد انتخاب کرده‌ام. امیدوارم مورد پسند خوانندگان عزیز قرار گیرد:

شاعر ایرانی

گفت آمد شاعری شراب زده
نقش پیغمبران بر آب زده

هم بر انگیزته‌ست و سوسه‌ها
هم بر اسبِ هوس رکاب زده

حسّ خود را به پرده‌های خیال
همچو رنگ‌های آفتاب زده

از سر خود شنیده‌هایش را
بر تن غزل و شعر ناب زده

لذت بوسه را از لب شیطان
بر بوده، به شور شباب زده

دزد آتش بر ابر خورشید
آمده، ایستاده، شهاب زده

زده نیشتر بر رگ احساس
خود به خون درفتاده، تاب زده

هم به رقص آمده، هم آمده است
به تماشای خود نقاب زده

هم خدایان به منظرش حیران
هم زمین و زمینیان خواب زده

شعر و شادی این خدانشناس
پشت پا بر کلام و کتاب زده

این چنین شاعری کجا یابی؟
جز به ایران التهاب زده!

سرشتِ خاکی من

مرغ باغ ملکوتم، نیام از عالم خاک
آدم آورد بدین دیرِ خراب آبادم!
«حافظ»

من از فردوس برین نیامده‌ام
در جستجوی اصلی هم که ندارم، نیستم
به این حرف‌های عارفانه
یا حافظانه
تسخر هم نمی‌زنم.

من از فردوس برین نیامده‌ام.
دانه و دام مرغ باغ ملکوت
پیشکش حافظ و
بسیارانی دیگر!
من سرشتم خاکست
پاکی و
ناپاکیست!

جوهری من
من جوهری چکیده
از اشکالی در هم تنیده در فضایی باز
تا طرح‌هایی گونه‌گون از رنگ‌ها
نادره‌کیمیای زندگی هستم
و شکفتن را
در درون خویش
و در طبیعت
یا زمین
این‌گونه می‌بینم!

دیوانه‌ای مرگ خدا را فریاد می‌زند

در جان من نهنگ غمی پیچ و تاب می‌خورد
دستی گلوی مرا

گرفته و سخت می‌فشرد.

دیوانه‌ای در من
مرگ خدا را فریاد می‌زند
و قدیس قهارِ آرزو زمینیان زی او
هر روزه روز
جنازه‌های کبود کافران شمرد."

آنک حکایت عجیبی
جنون‌گرفته تویی
که هر گل و سمنی
از وحشت گناه
ناشکفته می‌فشرد."

دردا که زیر این تار عنکبوتی گنبد زنگاری او هام
تیغ الماس‌گون زبان دیوانه
روی یخ فضای ذهن ملولان نمی‌سُرد.

سکوت و وحشت و حیرانی‌ست
و تماشا‌بینان
هر یک آن دیگری را
"به امان خدا" همی سُرد!

دیوانه چوب‌خورده رانده می‌شود
او می‌رود
می‌رود
می‌رود تنها؛
تنها کسی که از جبین‌اش
عرق شرم و خون همی سُرد.

با پوزخندی و تک‌اندین سری
آن مرده‌ی جاوید می‌گوید:
"لطف آیات، این ازدهایان ریش و پشم‌دار منبرها
و دعاخوانان طیلسان‌پوش من زیاد

که می‌بلعند دنیا و مافی هاش را
و آب از آب هم
تکائی نمی‌خورد!"
اسفند ماه ۱۳۹۹ گوتنبرگ

هیولاها

هیولاها قدیسانند
و قدیسان همان
دمساز جادوان و
دیوان خون آشام.

"نمازت که دیر شود
یکی از آنها می‌آید و
لقمه، لقمه
خام، خام
می‌خوردت!"

روزه‌ات را که بشکني
یکی از آنها می‌آید و
چون استخوانِ مُرده
با قهقهه خنده
می‌شکندت!

این‌ها نیسته آمده
يک يك
در آیه‌ها
روایت‌ها
و هزارها حدیث و افسانه و فسون؛
از گندناي بي چاڪ و بستِ حضرتِ عَلِما
از امعا و احشايِ مادون‌ترین دعاخوان‌ها.

هیولاها قدیسانند
و قدیسان همان

دمسازِ جادوان و
دیوانِ خون آشام.
دسامبر ۲۰۲۰ گوتنبرگ

مرگ در تابستانِ احساسات

در پایانِ تابستانِ احساسات می‌میرم
در واپسین نفس
شکوفه‌ی پندارم
گریبانِ چاک خواهد داد
در آینه‌ی خورشید.

آه، دوستانم که هیچ
دشمنانم نیز می‌آیند
تا ببینندم
که در بسترِ آرامشی ابدی
چگونه رفته‌ام در خواب.

آه، من دیگر زنده نخواهم شد
و در قمارِ مرگ هم
چنان چون در زندگانی که همیشه باختم
بازنده نخواهم شد.

آنک
گرد خواهد پاشیدن به روی من فراموشی
و خوشا که به یادِ شاعری چون من
در یک شبِ مهتاب
گیلاسی شرابی آتشین نوشی!

شکوفه گیلان

گویند شکوفه گیلان سه روزه می‌میرد
آینه‌ی روح شاعران اما
کاری کند که در سراسر سال

جادوی رنگ و عطر سیال آن
کسی فراموش نکند.

گویند شکوفه‌ی گیلان سه روزه می‌میرد
اما قلم‌موی نقاشان
کاری کند که ما
در سراسر سال
از رمز و رازها و زیبایی‌اش
دوباره بگوییم و
عاشق شویم و
باز
به پیشواز بهارانه‌ها برویم.

پس پُر کنیم گیلان‌ها را
به شادی شکوفه‌ی گیلان و
ذوق شاعرانه و
دیوانگی نقاشان
و آن سه روز بهاری
که درختی خیال‌انگیز
از فلق تا شفق شکوفه‌باران است.
سپتامبر ۲۰۱۷

اسد رخساریان که سرودن شعر را در دهه پنجاه در ایران آغاز کرد، نخستین کتاب شعرش «چکامه باستانی جهان» را در سال ۱۹۸۹ در کشور سوئد انتشار داد. پس از آن، دفتر شعر «عطر نان و بوی گل سرخ» را در سال ۱۹۹۱ و نیز یک اثر پژوهشی به نام «هرم‌لین کیست و چه کرد» را درباره «اریک اکسل هرم‌لین» ادیب و مترجم قرن نوزده سوئد، در سال ۲۰۰۳ به چاپ رساند. درباره این کتاب گفتنی است که تلاش رخساریان در بازشناسی آثار هرم‌لین و نوع زندگی او، مترجم پیشکسوت ادبیات فارسی به زبان سوئدی، که سالیان بسیاری از چشم ایرانیان دور مانده بود، بی‌تردید دارای ارزش ویژه‌ای است. آثار هرم‌لین در شناسایی فرهنگ و ادبیات ایرانی خاصه ترجمه‌های وی (ترجمه آزاد) از ادبیات عرفانی به زبان سوئدی، صاحب جایگاه تاریخی مهمی در میان کشورهای اسکاندیناوی در نیمه اول قرن بیست بر خوردار است.

رخساریان در سالیان طولانی تبعید، جز فعالیت‌های مستقل در عرصه نشر، با رسانه‌های نوشتاری نیز همواره همکاری داشته است. در واقع مسؤلیت‌پذیری در نشریات ادبی نیز گوشه دیگری از فعالیت‌های ادبی او در خارج از کشور بوده و این مهم هم اکنون نیز با بخش‌های فرهنگی و ادبی نشریات اینترنتی به صورت چاپ شعر، ترجمه شعر، داستان، و جستارهای ادبی ادامه دارد.

جامعه ایران شاعران بی‌شماری دارد اما شاعرانی که با اشعار عمیق و پرمحتوای خود به نقد وضع موجود بپردازند تا در کنار مردم قرار گیرند و شاعر مردمی محسوب شوند چندان زیاد نیستند. شاعرانی داریم که فصلی شعر می‌سرایند و اهمیتی به اوضاع و احوال روزگار و وضع ناگوار مردم و همچنین سانسور و اختناق حکومتی نمی‌دهند. شاعرانی داریم که شاید چند شعر خوب هم سروده باشند، اما بعد از مدتی به هر ترتیبی اثری از آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ به خاطر این‌که شعرها و آثارشان جایی در جامعه پیدا نمی‌کند و خودشان هم پیگیر نیستند. اما شاعرانی داریم که هم مضمون و محتوای شعرشان و هم پیگیری‌شان ماندگار هستند و تاثیرگذار. اسد رخساریان از این بخش از شاعران است و من به نوبه خود برایش تندرستی و موفقیت آرزو می‌کنم.

پنج‌شنبه دوازدهم خرداد-جوزا- ۱۴۰۱ - دوم جون ۲۰۲۲

کتاب‌هایی که تاکنون به قلم اسد رخساریان منتشر شده‌اند:

- * چکامه‌ی باستانی جهان ۱۹۸۹ / مجموعه شعر
- * عطر نان و بوی غنچه‌ی سرخ ۱۹۹۱ / مجموعه شعر
- * غزل برای زیبای خفته‌ی ایرانی ۲۰۱۳ / مجموعه شعر/نشر ارزان
- * من و این سازه‌های همگون و ناهمگون / ۲۰۱۶ / نشر ارزان
- * درد دلی با حافظ شیراز در مزرعه‌ی حیوانات / ۲۰۱۹ / نشر ارزان
- * امروز کودکی می‌میرد، مجموعه‌ی داستان از داستان‌سرایان سوئد، تهران، انتشارات مهراندیش، ۱۴۰۰

پژوهش ادبی:

- * شواهدی بر شاهد بازی و بازی‌های دیگر، در ادبیات هزار ساله‌ی ایران، زیر نظر دکتر جلال سبزواری / ۲۰۱۹ / نشر ارزان
- * اریک هرملین کیست و چه کرد (۱) و (۲) ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ / اثر تحقیقی ادبی

ترجمه: شعر مدرن فارسی در دو جلد

Musaikens turkosa eko 2002 - Bokförlaget Kitab-i Arzan

Resonansen av främmande vågor 2015 - Bokförlaget Kitab-i Arzan

دفتر شعری از م. روانشید

Jag är inte vid dig för att säga att jag älskar dig 2016 - Bokförlaget Kitab-i Arzan

رمان، ترجمه:

- * صدای گل سرخ، نوشته‌ی سردار نوزکان نشر میلکان، ۲۰۱۴ تهران
- داستان، ترجمه
- * کالبدشکافی مرگ "کلام آخر" اثری از سون دلبلانک، با همکاری ناصر زراعتی / ۲۰۱۹ / نشر آفتاب

در دست انتشار:

* ذرّتِ خوشه‌ای سرخ، رمان، اثر موین، برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل در سال ۲۰۱۲

* منتخبی از شعر شاعران سوئد

* دستِ مرد مرده، رمان، نوشته‌ی فولکه فریدل